

آیا اسم خاص را نباید ترجمه کرد؟

حسن افشار

بسیار خوانده‌ایم و شنیده‌ایم که اسم خاص را نباید ترجمه کرد. حتی شدیدتر از آن: اسم خاص غیر قابل ترجمه است! هدف از نگارش این مقاله بررسی جوانب این حکم کلی و یافتن قاعده‌ای دقیقتر در مورد آن است. آیا اسم خاص را هیچ وقت و بدون استثنا نباید ترجمه کرد؟

اسم خاص داریم تا اسم خاص. واقعیت این است که اسم خاص، با همه سادگی تعریفش، در معنا بسیار پیچیدگی دارد. اسامی خاص را در چندین و چند دسته می‌توان جای داد که هر کدام، در ترجمه، حکم متفاوتی پیدا می‌کند. در خاص بودن برخی از اسامی در زبان فارسی تردید نمی‌توان کرد، زیرا بیش از یک مدلول ندارند. عطارد، الله، فلسطین و مدیترانه از این دسته‌اند. بعضی اسمهای خاص تنها در مواردی خاص‌اند که بر مدلول خاصی دلالت می‌کنند. از این نوع‌اند ستاره و آدم. روشن است که اگر منظور از ستاره شخص خاصی نباشد، می‌شود یکی از میلیاردها ستاره آسمان و بنابراین دیگر اسم خاص نیست. همین طور آدم که تنها اگر منظور آدم ابوالبشر باشد اسم خاص است.

اسامی خاص در هر زبانی برای اهل زبان ممکن است با معنی باشند و ممکن است بی‌معنی به نظر بیایند. گروهی از اسامی خاص برای ما فارسی‌زبانها با معنی‌اند، مثل لرستان و عطاءالله و فریبا و پیکان. و گروهی بی‌معنی، مثل هلیا و روناک و روزین – ولو در گویشهای محلی ایران با معنی باشند. بعضی اسمهای خاص، به دلیل شباهتشان با اسامی با معنی، با معنی به نظر می‌رسند، مثل خوزستان و سیستان، که از جنس لرستان و بلوچستان‌اند، حال آنکه فارسی‌زبان امروزی نه قوم خوز را می‌شناسد و نه از ارتباط سیستان با قوم سکا آگاه است. این‌گونه تقسیم‌بندی را در میان اسامی خاص می‌توان ادامه داد و گروهها را ریزتر کرد، اما در بحث ما راهگشا نخواهد بود و سخن را به درازا خواهد کشاند. حال که گوشه‌ای از تنوع اسامی خاص را در زبان فارسی دیدیم، به روی دیگر قضیه می‌پردازیم تا به نتیجه‌ای عملی در کار ترجمه برسیم، چون در ترجمه با زبان دیگری به جز فارسی نیز سر و کار داریم. بدیهی است که همین‌گونه تنوع را در آن زبان و هر زبان دیگری هم خواهیم داشت.

دیدیم که بسیاری از اسامی خاص به رغم خاص بودنشان با معنی‌اند. اگر ترجمه عبارت از رساندن معنایی از زبانی به زبان دیگر باشد، که قطعاً چنین است، ترجمه نکردن اسم خاص معنی‌دار در موارد بسیاری مترادف می‌شود با دریغ کردن یک معنا از خواننده ترجمه یا شنونده و بیننده اثر. بدون شک، نویسنده، سراینده، سازنده و به‌طور کلی هر مؤلفی در نامگذاریها و انتخاب اسامی خاص در اثرش از منطقی پیروی می‌کند و قصد و منظوری دارد. بر مترجم است که به آن منطبق و این منظور پی ببرد و چنانچه در فهم اثر مؤثر است، حتی اسامی خاص یا بعضی از آنها را، ولو نه در متن ترجمه بلکه در

پانوشت یا پی نوشتی، برای خواننده معنی کند. در زیر با ذکر چند مثال می‌کوشم مطلب را ملموس‌تر کنم و اهمیت ترجمه اسامی خاص را در موارد خاص یادآور شوم. مثالها را از حوزه‌های مختلف می‌آورم تا عمومیت قضیه روشن شود.

کوبریک فیلمساز، اثری بلند آوازه دارد به نام "دکتر استرنج لاو". فیلمی است هجوآمیز درباره جنون برتری نظامی و مالیخولیای فاجعه هسته‌ای، که پر است از شخصیت‌هایی با اسمهای طنزآلود و پر معنی، از قبیل ژنرال جک ریپر، سرگرد گوانو، ژنرال ترجیدن و قهرمان فیلم "دکتر استرنج لاو". طبیعی است که مترجم فیلم یا فیلمنامه‌اش همه این اسامی را اسم خاص تلقی کند و بار ترجمه آنها را از دوشش بردارد. آسانترین راه همیشه باقی گذاشتن اسمها به همان صورت اصلی است و کسی هم نمی‌تواند از شما ایراد بگیرد که چرا آنها را ترجمه نکرده‌اید. خواهید گفت چون همه اسم خاص‌اند. اما نکته اینجاست که این گونه اسمها در هر متنی یا اثری حامل معنی و پیام هستند و اگر آنها را ترجمه نکنید پیام را به مخاطب نرسانده‌اید. فیلم به زبان انگلیسی است و تماشاگر انگلیسی زبان قطعاً معنی اسامی را در خواهد یافت. اما تکلیف من فارسی زبان چیست. اسامی بالا برای من هیچ معنایی نخواهد داشت مگر این که ترجمه شوند: ژنرال جک دونده، سرگرد چلفوز، ژنرال بادزاده، دکتر غریب دوست و غیره.

جووانی ورگا داستان نویس ایتالیایی اثری دارد به نام کاوالریا روستیکانا که ماسکانی بر اساس آن اپرایی ساخته است. نام اپرا را در غالب منابع به همین صورت ترجمه نشده می‌بینیم. لابد اسم خاص است! اما نام داستان را ترجمه کرده‌اند: سوار روستایی. پس اسم خاص نیست! میزانتروپ مولیر را در بعضی منابع به همین صورت می‌بینیم و در بعضی دیگر ترجمه شده به: مردم‌گریز. نام چند اپرای وردی را برایتان ردیف می‌کنم: مکبث، ریگولتو، ایل تروواتوره، لاتراویاتا، اتللو، فالستاف، آیدا. آیا در کنار هم آمدن آنها به همین صورت در فرهنگهای موسیقی به این معنی است که همه اسم خاص‌اند؟ بعضی از آنها را می‌دانیم که نام شخص‌اند، بقیه چه؟ خواننده اسامی آنها در فرهنگها از کجا باید بداند که کدام یک از آنها واژه‌هایی معنی دارند و کدام یک نام شخص؟ آیا برای او، یا فرهنگ نویس، فرق نمی‌کند؟

بسیاری از فیلمهایی که به زبانهای نا آشنا ساخته شده‌اند نامهایی دارند با معنی که در ایران اسم خاص به شمار آمده‌اند: پاترپانچالی، آپاراجیتو، دودسکادن، کوایدان... حتی فیلمهایی از زبانهای آشنادر ایران: بل دوژور، پرسونا و غیره. تماشاگر این فیلمها چگونه می‌تواند بین نام آنها و موضوع آنها ارتباط برقرار کند؟ چون در آنها نه شخصی به این نام هست، نه مکانی، نه هیچ چیز دیگری. از طرف دیگر می‌بینیم نام فیلمهایی که با ترجمه به زبانی آشناتر وارد ایران شده‌اند به فارسی هم ترجمه می‌شوند، مثل Red-Beard (فیلمی از کوروساوا) که صد البته اسم خاص است ولی معنی هم دارد و برای همین ترجمه هم شده است. از همین شمار است نام Blue Angel که هر چند نام کاباره‌ای است در فیلم، باز اسم خاص تلقی نشده و به فارسی ترجمه شده است، به این دلیل ساده که معنی دارد و اگر ترجمه نشود برای فارسی زبان ثقیل می‌ماند. باز از همین نوع‌اند اسامی رمانهایی مثل *Wuthering*

Bleak House و *Heights*، اولی اسم خاص منطقه‌ای است (البته بلند و بادگیر) که هرگز ترجمه نشده‌اش را روی جلد کتابی ندیده‌ایم و دومی نام عمارت خانه‌ای است (از جنس *White House* کاخ سفید) در زمانی که دهها سال پیش تحت عنوان "خانه قانونزده" به فارسی ترجمه شده و سریالش هم با نام دیگری به جز "بلیک هاوس" از تلویزیون به نمایش در آمده است. پس چرا برای مثال "آفریکن کوئین" را به این دلیل که نام قایقی است مستثنا کنیم؟ ترجمه آن کمترین فایده‌ای که دارد این است که پیشاپیش به تماشاگر اطلاع می‌دهد که فیلم ارتباطی با آفریقا دارد. از طرف دیگر می‌بینیم که بعضی اسامی صرفاً به دلیل بی‌اطلاعی مترجم به فارسی ترجمه شده‌اند، از قبیل *Howard End* نام زمانی از فورستر که فیلمی هم از روی آن ساخته‌اند. نام رمان و فیلم اسم خانه‌ای است که حتی اگر آن را "پایان هاواردها" (!) ترجمه کنیم - که کرده‌اند - مطلقاً چیزی به معلومات خواننده یا بیننده نیفزوده‌ایم و فقط معمای برایش خلق کرده‌ایم: هاواردها کیستند؟ در حالی که حتی یک هاوارد در فیلم یا رمان پیدا نمی‌کنیم.

بسیاری از اسمهای لاتینی که در زبانهای اروپایی برای اهل آن زبانها آشنا و با معنی‌اند، برای ما فارسی‌زبانها ناآشنا و بی‌معنی می‌شوند مگر آنکه به زبان خود ما ترجمه شوند. و تصمیم‌گیری در مورد ترجمه کردن یا نکردن آنها و یا چگونه ترجمه کردن آنها همیشه آسان نیست. هنریک شینک یویچ، داستان نویس نوبل برده لهستانی، رمان پرآوازه‌ای دارد به نام *Quo Vadis* که بارها از روی آن فیلم هم ساخته‌اند. در روزگار نرون که سربازانش به جان مسیحیان افتاده‌اند، بطرس حواری به جای ماندن در کنار آنها پا به فرار می‌گذارد. در راه، شبی از مسیح (ع) را می‌بیند که در خلاف جهت او به سوی رم رهسپار است. به زانو می‌افتد و می‌پرسد: *Quo Vadis, Domine?* کجا می‌روی سرور من؟ او پاسخ می‌دهد: چون تو پیروان مرا ترک کرده‌ای، من به میان آنها می‌روم تا باز مصلوب شوم. اسم لاتین *Quo Vadis* برای خواننده اروپایی رمان ممکن است نامفهوم نباشد، ولی برای فارسی‌زبان قطعاً هست. از این روست که می‌بینیم رمان با نام "کجا می‌روی؟" به فارسی ترجمه شده و نام فیلم را نیز به فارسی برگردانده‌اند. شگفت آنکه در دایرةالمعارف فارسی مصاحب همچنان به صورت "کوئو وادیس" آمده است. در جایی خواندم که از مترجمی ایراد گرفته‌اند که چرا نام کتاب *Division Bell* را که اسم خاص است (زنگ رأی‌گیری که در مجلس بریتانیا قبل از شروع به صدا در می‌آورند تا چنانچه کسی در صحن مجلس حضور ندارد خود را برای رأی‌گیری برساند) به فارسی ترجمه کرده است (به صورت غلط ناقوس جدایی). از شما می‌پرسم: آیا اگر روی کتابی نامی ببینید مثل "دیویژن بل" در سلامت عقل ناشر یا مترجم شک نمی‌کنید؟ می‌بینیم که اصلاً بحث به اینجا می‌گردد که چه اسمی را باید اسم خاص تلقی کرد.

سخن را کوتاه می‌کنم و نتیجه می‌گیرم. این حکم کلی که اسم خاص را نباید ترجمه کرد، باید به این شکل اصلاح شود: اسم خاص را موقعی نباید ترجمه کرد که از ترجمه‌اش چیزی عاید خواننده نشود. در غیر این صورت، معنی اسم خاص را باید در جایی به اطلاع خواننده یا مخاطب اثر رسانید. پیدا کردن آن "جای" مناسب برعهده مترجم است. □